

خاکریز جنگ شناختی

پدافند ذهنی



محمد رضا طوبرانی فوق دکتری رسانه‌های اجتماعی

هدف در جنگ مدرن ادراکی، نه‌تنها روی آنچه افراد هدف فکر می‌کنند، بلکه روی چگونگی تفکر آنان و در نهایت چگونگی عملکردشان اثرگذاری می‌شود. ناتو تا سال ۲۰۲۰ پنج حوزه جنگی زمین، هوا، دریا، فضا، فضایی سایبری را به رسمیت می‌شناخت. اخیراً کارشناسان این سازمان می‌گویند عملاً یک حوزه دیگر

را به پنج حوزه موارد فوق باید افزود: حوزه جنگ شناختی. جنگ شناختی، شناخت انسان‌ها را با روش دستکاری روانشناختی

یا مهندسی افکار مورد هدف قرار می‌دهد.

در این جنگ، به گفتهٔ «جیمز چوردانو» ذهن انسان‌ها به میدان نبرد تبدیل می‌شود. متخصص علوم اعصاب، مغز انسان را میدان نبرد قرن ۲۱ معرفی می‌کند.

آ افرادی را دپداید که تا چند ماه قبل به اعتقادات خود به شدت پایبند بوده‌اند و اکنون همان اعتقادات را خرافات تلقی می‌کنند این افراد مورد اصابت گلوله دشمن در جنگ شناختی قرار گرفته‌اند. بدون اینکه هیچ جراحتی در بدن خود احساس کنند.

از ویژگی‌های مهم این جنگ متکی بودن بر زیرساخت رسانه‌های نوین سایبری است؛ که تفکر آدمی را مورد هدف قرار می‌دهد. درک این نکته مهم است که مغز انسان مثل سایر اعضای او گاهی ممکن است عملکرد توأم با خطا داشته باشد. هدف جنگ شناختی همان هدف جنگ سخت است که در نهایت از پای درآوردن حریف است.

روش عمل در نبرد شناختی، مشروعیت‌زدایی، اعتبار‌زدایی، اعتمادزدایی، قداست‌زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمدمایی است که در نهایت دشمن امیدوار است سبب رویگردانی جامعه و از بین رفتن سرمایه اجتماعی و نیروهای مردمی یک کشور شود. جوزف نای مبعد عبارت «SOFT POWER» نیز قدرت نرم یک کشور را از سه طریق فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجه آن کشور قابل تأمین می‌داند.

پیوست دستکاری ذهنی در جنگ شناختی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد (زه‌رهای شناختی) است که شامل:

دستکاری حسی، شناختی و روانشناختی سیاسی است. مرحله بعد از دستکاری ذهنی، کاربست تهاجم روانی است که با چهار تکنیک زیر عملیاتی می‌شود:

تبلیغات، ناامیدسازی، از کارانداختن انگیزه و ایستایی کردن جامعه.

جنگ شناختی، جنگ آینده با هدف تسخیر سه گانه ذهن، درک معنا، شکل‌دهی کتش و واکنش است. در این مسیر، استعمار پلتفرمی و ساختی سایبری باهدف کاهش تاب‌آوری اجتماعی با تاکتیک سیلاب اطلاعات و تکنیک غرق مصنوعی، بستر این نبرد است. قبل از شلیک گلوله‌ها، متقاعد کردن مردم در طول خصومت‌ها، پنهان کردن، تحریک و تهییج و پس از جنگ، ساکت کردن انتقاد و شکل دادن به برداشت‌های شخصی شده، از روش‌های مودینه اقلانی تحمیلی در جنگ شناختی است.

در زمان پردازش اطلاعات نیز مخاطبان، قربانی ماینبرهای شناختی می‌شوند تا در نهایت ناممخوانی باورها در جامعه هدف، مرجعیت رسانه‌ای و میدان‌داری روایت را به خلق بحران‌های جعلی و پله‌ای و غیرقابل مهار تبدیل کنند.

نگرینده



ودیعہ ۵/۱ میلیاردی برای اجاره خانه آسیب‌دیدگان جنگ ۱۲روزه

آسیب‌دیدگان جنگ تاکنون در هتل‌ها اسکان یافتند؛ شهرداری تهران اعلام‌کرده که تا آخر ماه برای آنها خانه رهن می‌کند.

بر اساس آمار مدیریت بحران شهر تهران، بیش از ۳هزار ۵۰۰ ساختمان در جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی آسیب دید. شهرداری تهران تاکنون مردم آسیب‌دیده را در هتل‌ها اسکان اضطراری داد، شهردار تهران علیرضا زاکانی می‌گوید: «تا پایان ماه برای آسیب‌دیدگان جنگ خانه اجاره می‌کنیم».

شهردار تهران همچنین اعلام کرد شهرداری‌های مناطق برای افرادی که خانه‌های آنها نیاز به نوسازی و بازسازی اساسی دارد، به ۱/۵ میلیارد تومان ودیعہ و ۳۰ میلیون تومان اجاره ماهانه و همچنین تجهیز ۲۵۰ میلیون تومانی برای اسکان موقت، تا پایان تیر خانه اجاره می‌کنند. گفتنی است شهرداری چادرهایی مقابل خانه‌های آسیب‌دیده زده‌است و مردم می‌توانند به این مکان‌ها مراجعه کنند و در جریان چگونگی خدمت‌رسانی قرار گیرند.

□□□

امکان تهاتر منازل آسیب‌دیده‌در جنگ بااملاک شهرداری

رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران گفت: آن دسته از منازلی که نیاز به تخریب و نوسازی کامل دارند، می‌توانند با قیمت کارشناسی قبل از اصابت موشک، ملک خود را با املاک شهرداری تهاتر کنند. علی نصیری، رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران تهران گفت: آن دسته از منازلی که نیاز به تخریب و نوسازی کامل دارند، می‌توانند با قیمت کارشناسی قبل از اصابت موشک، ملک خود را با املاک شهرداری تهاتر کنند. همچنین ساکنان در صورت تمایل می‌توانند از پیمانکاران معرفی شده توسط شهرداری استفاده کرده یا خودشان پیمانکار انتخاب کنند.

نصیری همچنین اطمینان داد: برای منزلی که نیاز به مقاوم‌سازی یا نوسازی دارند، در اسرع وقت واحد مسکونی جایگزین در همان منطقه و با مترآزی مشابه اجاره خواهد شد. برای تسهیل فرآیند و جلوگیری از بروز مشکلات حقوقی، شهرداری تهران به‌عنوان مستأجر، طرف قرارداد اجاره‌نامه خواهد بود.

در همین رابطه وحید میرحسینی معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور نیز با بیان اینکه همکاری‌ان‌شان در دادستانی تهران به‌صورت مستمر در مناطق آسیب‌دیده حضور دارند، گفت: در دادستانی کل کشور نیز با تشکیل کارگروهی ویژه، موضوع را به‌صورت دقیق پیگیری می‌کنیم و آماده رسیدگی به مشکلات احتمالی هستیم.

پنج‌شنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۴ | ۱۴ محرم ۱۴۴۷

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۹۸۵۲۳

گفت‌وگو «جوان» با عضو پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی درباره بیداری اجتماعی ایران در سایه مقاومت

مادِیگر آن مردم پیش از جنگ نیستیم!

محسن دنیوی: پیروزی در جنگ ۱۲ روزه به نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران تبدیل خواهد شد



رضا دهشیری | جوان

در جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی، چیزی فراتر از یک پیروزی نظامی بر ایمان شکل گرفت؛ آنچه در جریان این جنگ تحمیلی رخ داد، تنها یک تقابل نظامی نبود، بلکه لحظه‌ای تاریخی بود که در آن، ملت ایران بار دیگر، نسبت خود را با مفاهیمی چون «اعتماد»، «انسجام» و «هویت ملی» با تعریف کرد. نگاهی‌ها و باورها به توانمندی داخلی دگرگون شد و احساس عزت و خودباوری در میان مردم جان تازه گرفت. این جنگ، نه‌تنها موجب عقب‌نشینی دشمن شد، بلکه در درون جامعه ایرانی، بیداری تازه‌ای را رقم زد؛ بیداری‌ای که می‌تواند به سرمایه‌ای پایدار برای ساخت آینده‌ای مستقل، مقاوم و متکی بر هویت ملی تبدیل شود و بدون شک این آغاز یک مسیر تازه در تاریخ معاصر ایران است. در همین رابطه، «جوان» با محسن دنیوی، دکتری فلسفه علم و فناوری و عضو پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی گفت‌وگو کرده و تحولات اجتماعی در جامعه ایران، پس از جنگ ۱۲ روزه را مورد بررسی قرار داده‌است. □□□

از نظر شما، مهم‌ترین دستاورد اجتماعی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه برای جامعه ایران چه بوده‌است؟

به باور من، مهم‌ترین دستاورد اجتماعی این جنگ ۱۲ روزه، واقعی‌تر شدن نسبت مردم با واقعیت بیرونی‌شان بود. آنچه امروز بسیاری را به وجد آورده و درباره انسجام اجتماعی و همبستگی ملی ایرانیان سخن می‌گویند، در واقع نه یک اتفاق خارق‌العاده و عجیب، بلکه نوعی بیداری و باز شدن چشم‌ها به حقیقت است. به عبارت دیگر، این جنگ باعث شد که هم مردم، هم حاکمیت و هم نخبگان، نگاه‌شان به یکدیگر و به واقعیت‌های پیرامون تغییر کند.

بدون شک این نبرد در لحظه‌ای تاریخی رخ داد؛ زمانی که رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا و برخی دیگر، دو سال تمام مشغول سلاخی و کشتار در منطقه بود و جهان نظاره‌گر این جنایات بود. دلایل این تقابل، در برابر چشم جهانیان اتفاق افتاده و ملت ایران نیز نسبت خود را با دشمن و «دیگری» به وضوح درک کرده‌است.

به همین دلیل، به گمان من، اکنون نقطه آغاز جدیدی برای ما رقم خورده‌است. اعتماد به نفس ملی می‌تواند به شدت افزایش یابد. مفاهیمی چون مقاومت، ایستادگی و استقلال خواهی، از حالت شعاری خارج شده و به واقعیت‌های ملموس بدل می‌شوند. این تغییر نگرش، قطعاً به عرصه‌های دیگر نیز سرریز خواهد کرد؛ از جمله در پیشرفت اقتصادی، تولید ملی و تحولات اجتماعی.

چگونه می‌توان این دستاوردها را حفظ و تقویت کرد؟

به نظر من، برای حفظ و تقویت این دستاوردها، بیش از آنکه لازم باشد به این فکر کنیم که «چه باید کرد»، باید ابتدا تأمل کنیم که «چه نباید کرد». یعنی پیش از آنکه به دنبال راهکارهای جدید باشیم، باید بر بخشی رفتارها و رویکردهای پیشین را که موجب فاصله گرفتن ما از واقعیت شده بودند، کنار بگذاریم. برای مثال، یکی از آسیب‌های جدی گذشته، خودتخریبی مداوم از سوی برخی روشنفکران بود. آنها دائماً پیشرفت‌های غرب را به رخ جامعه می‌ساختند و این نوع نگاه، هویت ایرانی را تحقیر می‌کردند. این نگاه، نه‌تنها اعتماد به نفس ملی را تضعیف می‌کرد، بلکه باعث می‌شد جامعه ما نسبت به ظرفیت‌های درونی خود بی‌اعتنا شود.

از سوی دیگر، بخشی از جریان متدین و حزب‌اللهی نیز گاهی با پرداختن به مسائل فرعی و حاشیه‌ای، آرامش روانی جامعه را مختل می‌کردند. این رفتارها، به‌جای تقویت انسجام، باعث دلزدگی و فاصله گرفتن مردم از گفتمان اصلی انقلاب می‌شد.

به وقتی پای دفاع از وطن و تمامیت ارضی در میان باشد، مردم نیز با تمام وجود پشت نظام و نیروهای مسلح می‌ایستند. این یک سوءبرداشت بود که اکنون برطرف شده‌است.

اما شاید بیشترین تغییر در نگاه نخبگان رخ داد. آنها هم پیش از این جنگ تحمیلی، نسبت به مردم و هم نسبت به حاکمیت دچار خطای محاسباتی بودند. بسیاری از نخبگان تصور می‌کردند که شکاف میان مردم و حاکمیت آن قدر عمیق است که قابل ترمیم نیست، اما این جنگ، نشان داد که این تصور نادرست بوده‌است. برخی از آنها حتی نسبت به توان دفاعی نظام نیز تردید داشتند، در آن هم اشتباه از آب در آمد. در واقع به عقیده من، نخبگان بیش از دیگران، در تحلیل خود دچار خطا بودند. اکنون اما، این نگرش‌های اشتباه، تغییر کرده و آنچه به‌عنوان «سرجام اجتماعی» و «همبستگی ملی» از آن یاد می‌شود، نتیجه همین تغییرات بنیادین در تلقی‌ها و باور‌هاست.

این تغییر نگرش که در جریان جنگ ۱۲ روزه شکل گرفته، چه تأثیری بر نگاه مردم به آینده و نقش آنها در ساختن ایران مستقل و مقاوم دارد؟ دیگر ما تغییر کرده‌ایم. دیگر آن آدم‌های پیش از جنگ نیستیم. نسبت‌مان با بسیاری از مفاهیم دگرگون شده‌است؛ نسبت‌مان با دشمن، با مفهوم استکبار، با ایستادگی و مقاومت. حالا بهتر درک می‌کنیم که شعارهای انقلاب اسلامی در این چهار دهه، بر خلاف آنچه برخی گمان می‌کردند؛ صرفاً شعار نبوده، بلکه ریشه در واقعیتی عمیق داشته‌اند و این جنگ طی ۱۲ روزه، این واقعیت را برای ما عیان کرد.

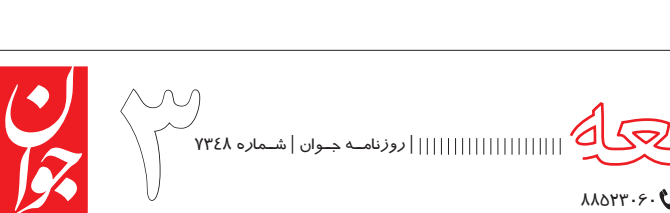
بدون شک این نبرد در لحظه‌ای تاریخی رخ داد؛ زمانی که رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا و برخی دیگر، دو سال تمام مشغول سلاخی و کشتار در منطقه بود و جهان نظاره‌گر این جنایات بود. دلایل این تقابل، در برابر چشم جهانیان اتفاق افتاده و ملت ایران نیز نسبت خود را با دشمن و «دیگری» به وضوح درک کرده‌است.

به همین دلیل، به گمان من، اکنون نقطه آغاز جدیدی برای ما رقم خورده‌است. اعتماد به نفس ملی می‌تواند به شدت افزایش یابد. مفاهیمی چون مقاومت، ایستادگی و استقلال خواهی، از حالت شعاری خارج شده و به واقعیت‌های ملموس بدل می‌شوند. این تغییر نگرش، قطعاً به عرصه‌های دیگر نیز سرریز خواهد کرد؛ از جمله در پیشرفت اقتصادی، تولید ملی و تحولات اجتماعی.

چگونه می‌توان این دستاوردها را حفظ و تقویت کرد؟
به نظر من، برای حفظ و تقویت این دستاوردها، بیش از آنکه لازم باشد به این فکر کنیم که «چه باید کرد»، باید ابتدا تأمل کنیم که «چه نباید کرد». یعنی پیش از آنکه به دنبال راهکارهای جدید باشیم، باید بر بخشی رفتارها و رویکردهای پیشین را که موجب فاصله گرفتن ما از واقعیت شده بودند، کنار بگذاریم.

بدون شک این نبرد در لحظه‌ای جدی گذشته، خودتخریبی مداوم از سوی برخی روشنفکران بود. آنها دائماً پیشرفت‌های غرب را به رخ جامعه می‌ساختند و این نوع نگاه، هویت ایرانی را تحقیر می‌کردند. این نگاه، نه‌تنها اعتماد به نفس ملی را تضعیف می‌کرد، بلکه باعث می‌شد جامعه ما نسبت به ظرفیت‌های درونی خود بی‌اعتنا شود.

از سوی دیگر، بخشی از جریان متدین و حزب‌اللهی نیز گاهی با پرداختن به مسائل فرعی و حاشیه‌ای، آرامش روانی جامعه را مختل می‌کردند. این رفتارها، به‌جای تقویت انسجام، باعث دلزدگی و فاصله گرفتن مردم از گفتمان اصلی انقلاب می‌شد.



به نام ایران، در چنین موقعیتی، در برابر یکی از قدرتمندترین بازیگران جهانی ایستد و مقاومت کند. این نبرد، این سرمایه اجتماعی، می‌تواند در عرصه‌های گوناگون به کار گرفته شود؛ از بازسازی و ترمیم گرفته تا رشد و بالندگی. اما همه اینها باید در امتداد همان طرح کلی ملت ایران باشد؛ رسیدن به نوعی پیشرفت بومی، مستقل و متکی بر هویت ملی. تنها در این صورت است که این پیروزی، به نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران تبدیل خواهد شد.

با وجود همه‌های دشمن، چه راهکارهایی برای حفظ و ارتقای روحیه اتحاد و همبستگی در نسل‌های جدید پیشنهاد می‌کنید؟
واقعیت این است که آنچه در این دو هفته اخیر و به‌ویژه در دو سال گذشته، از آغاز طوفان الاقصی تا کنون رخ داده، یک نقطه عطف تاریخی برای نسل نوجوان ما بوده‌است. به‌ویژه از سال ۱۴۲ هجری شمسی به بعد، نوجوانان ما با واقعیتی مواجه شدند که هیچ توضیحی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. این مواجهه مستقیم با حقیقت، چیزی نیست که بتوان با کتاب یا سخنرانی یا حتی فیلم و مستند به آن دست یافت. آنها با چشم خود دیدند، با جان خود لمس کردند و با دل خود درگیر شدند.

بنابراین، اگر همین اقدامات نادرست گذشته را کنار بگذاریم، بخش مهمی از این حس مشترک و همبستگی اجتماعی که در جریان جنگ ۱۲ روزه شکل گرفت، حفظ خواهد شد. نکته مهم دیگر، جهت‌دهی درست به این انرژی و احساس مشترک است. این پیروزی، صرفاً یک اتفاق مقطعی نیست، بلکه امتداد یک طرح بزرگ تاریخی است که ملت ایران طی ۲۰ سال گذشته (و به‌ویژه در ۵۰ سال اخیر)، با راه و هزینه‌های فراوان آن را دنبال کرده‌اند. بنابراین، نباید اجازه داد که این دستاوردها، به اشتباه در مسیرهایی خرج شود که با این طرح تاریخی بیگانه هستند.

برخی افراد، بلافاصله پس از این پیروزی، شروع کرده‌اند به تکرار همان شعارهای قدیمی و پوسیده خود؛ مثلاً اینکه این پیروزی را خرج انسجام اجتماعی در آن سرریز شود، حوزه اقتصاد است. اگر چرخ تولید در کشور به حرکت درآید و «کار» به ارزش محوری تبدیل شود، آن گاه می‌توانیم به شکلی واقعی و پایدار، به استقلال و پیشرفت بومی دست پیدا کنیم؛ پیشرفتی که نه وابسته به بیرون، بلکه بر خاسته از درون ملت ایران باشد.

امروز، چالش اصلی ما معیشت است. بیش از دو دهه فشار تحریم‌های سنگین، زیرساخت‌های کشور را فرسوده کرده‌است. اگر به این فشارها، کار شکنی‌های داخلی، فساد، رشوه و ناکارآمدی‌های مدیریتی را هم اضافه کنیم، نتیجه‌ای که چرخ تولید در کشور به حرکت درآید، همین‌جا دقیقاً، همان نقطه‌ای است که می‌توان انسجام اجتماعی را به یک نیروی مولد تبدیل کرد.

در چه حوزه‌هایی باید تلاش بیشتری صورت گیرد تا این انسجام و وحدت به عنوان سرمایه‌ای دائم در جامعه تثبیت شود؟

به گمان من، مهم‌ترین حوزه‌ای که باید این انسجام اجتماعی در آن سرریز شود، حوزه اقتصاد است. اگر چرخ تولید در کشور به حرکت درآید و «کار» به ارزش محوری تبدیل شود، آن گاه می‌توانیم به شکلی واقعی و پایدار، به استقلال و پیشرفت بومی دست پیدا کنیم؛ پیشرفتی که نه وابسته به بیرون، بلکه بر خاسته از درون ملت ایران باشد.

امروز، چالش اصلی ما معیشت است. بیش از دو دهه فشار تحریم‌های سنگین، زیرساخت‌های کشور را فرسوده کرده‌است. اگر به این فشارها، کار شکنی‌های داخلی، فساد، رشوه و ناکارآمدی‌های مدیریتی را هم اضافه کنیم، نتیجه‌ای که چرخ اقتصاد کند شده‌باشد، اما همین‌جا دقیقاً، همان نقطه‌ای است که می‌توان انسجام اجتماعی را به یک نیروی مولد تبدیل کرد.

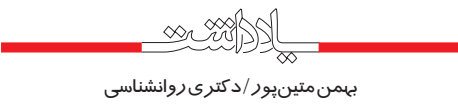
اگر این روحیه همبستگی و اعتماد ملی که در جریان جنگ ۱۲ روزه شکل گرفت، به سمت تولید و کار هدایت شود، می‌تواند حال همه ما را خوب کند. «کار» به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود. ایرانی یعنی تولید ایرانی. یعنی ایستادن پای پیشرفت مستقل. اگر این نگاه در جامعه نهادینه شود، می‌توانیم شاهد یک جهش واقعی باشیم.

به‌ویژه باید به صادرات توجه ویژه‌ای داشته باشیم. امروز، ایران به یک برند تبدیل شده‌است؛ نام و پرچم ایران در جهان دیده می‌شود و بسیاری از ملتها با احترام و تحسین به آن نگاه می‌کنند. اگر کالایی یا خدماتی از ایران به دست آنها برسد، آن را حامل یک پیام می‌دانند: پیام ایستادگی، ایستادن پای پیشرفت مستقل. این فرصت بی‌نظیری است که باید از آن بهره گرفت.

تولید درون‌زا و صادرات محور، می‌تواند هر خانه را به یک کارگاه، هر محله را به یک بنگاه اقتصادی کوچک و هر فرد را به یک نیروی فعال در زنجیره تولید ملی تبدیل کند. اگر این انسجام اجتماعی در این مسیر به کار گرفته شود، نه‌تنها اقتصاد کشور متحول می‌شود، بلکه این تحول به‌سرعت در لایه‌های دیگر نیز بازتاب خواهد یافت.

در لایه فرهنگ، ما شاهد بازسازی ارزش‌ها خواهیم بود. در لایه سیاست نیز، این تغییرات خود را نشان خواهد داد. انتخابات‌های پیش‌رو، از کیفیت و هویت متغیر است. به‌طرز شگفت‌انگیزی متفاوت در سال ۱۴۰۷، به‌طرز شگفت‌انگیزی متفاوت خواهد بود، چرا که مردم، با ذهنی تازه و نگاهی متفاوت، وارد عرصه تصمیم‌گیری خواهند شد.

بی‌تردید این سرمایه اجتماعی به‌درستی هدایت شود، چرخه تغییرات برای ساخت آینده ایران، با شتابی غیرقابل وصف آغاز خواهد شد. این همان نقطه‌ای است که می‌تواند انسجام اجتماعی را از یک احساس مقطعی، به یک سرمایه دائمی و بنیادین برای ملت ایران تبدیل کند.



بهمن متین‌پور / دکتری روانشناسی

آیین‌های ملی و مذهبی ستون‌های هویت ایرانی

آیین‌های ملی و مذهبی، مانند نوروز و عاشورا، قلب تپنده هویت ایرانی هستند. آیین‌های ملی، مثل نوروز با پیام تاریگی و پیوند با طبیعت و تاریخ و آیین‌های مذهبی، مثل عاشورا با پیام عدالت‌خواهی و همبستگی، ایرانیان را به گذشته، حال، و آینده متصل می‌کنند. این آیین‌ها مانند رگ‌هایی هستند که خون فرهنگ و هویت را در پیکره جامعه ایران جاری می‌سازند، اما وقتی این آیین‌ها کمرنگ شوند یا تنها یکی از ابعاد ملی یا مذهبی مورد توجه قرار گیرد، بخشی از مردم احساس می‌کنند از ریشه‌های خود جدا شده‌اند. این جدایی، حس تعلق به وطن را ضعیف می‌کند و جامعه را از آینده‌ای مشترک دور می‌سازد.

■ احساس جدایی از جامعه: خطری برای پیوند جمعی

گاهی انسان‌ها در زندگی احساس می‌کنند از خود و دنیای اطرافشان جدا شده‌اند؛ گویی خود را از بیرون تماشا می‌کنند و جهان برایشان غریبه و بی‌معنا به نظر می‌رسد. در سطح جامعه نیز چنین اتفاقی ممکن است رخ دهد. وقتی آیین‌های ملی، مانند نوروز، یا آیین‌های مذهبی، مانند عاشورا، کمرنگ شوند یا یکی به نفع دیگری کنار گذاشته شود، بخشی از مردم از داستان مشترک وطن فاصله می‌گیرند. آنها حس می‌کنند به جامعه و تاریخشان تعلق ندارند و دچار بیگانگی می‌شوند. این بیگانگی مانند حالتی است که فرد دیگر خود را در اینه هویت جمعی نمی‌بیند و از آینده مشترک جدا می‌افتد.

■ آیین‌های ملی و مذهبی: پلی برای زیستن در اکنون

آیین‌های ملی و مذهبی فراتر از جشن یا مراسم هستند؛ آنها فرصت‌هایی برای ما هم بودن، حس کردن ریشه‌های مشترک و پیوندن با ارزش‌هایی هستند که نسل‌ها را به هم متصل می‌کنند. برای نمونه، نوروز با سفره هفت‌سین و نو شدن طبیعت، حس تاریگی و پیوند با تاریخ را تقویت می‌کند. عاشورا با عزاداری و روایت‌هایش، حس ارمان‌خواهی و همدلی را در دل‌ها می‌دمد. این آیین‌ها از طریق آواها (مثل موسیقی سنتی یا نوحه‌خوانی)، حرکات‌ها (مثل رقص‌های محلی یا عزاداری جمعی) و گردهمایی‌ها (مثل دورهمی‌های خانوادگی یا مراسم‌های عمومی) ما را به لحظه اکنون متصل می‌کنند و یادآوری می‌کنند که بخشی از یک داستان بزرگ‌تر هستیم، اما اگر یکی از این دو دسته‌ای بین کمرنگ شود، بخشی از جامعه از این تجربه مشترک محروم می‌ماند و حس تعلق به وطن ضعیف می‌شود.

■ خطر تک‌بعدی شدن: تفرقه به جای همبستگی

اگر جامعه تنها به آیین‌های ملی مانند نوروز اهمیت دهد و آیین‌های مذهبی مانند عاشورا را نادیده بگیرد، یا برعکس، فقط به آیین‌های مذهبی توجه کند و آیین‌های ملی را کمرنگ سازد، بخشی از مردم از پیکره هویت جمعی بیرون می‌مانند. این تک‌بعدی شدن، به جای تقویت حس همبستگی، تفرقه و جدایی ایجاد می‌کند. کسانی که هویت‌شان با ارزش‌های ملی گره خورده، ممکن است در آیین‌های مذهبی خود را غریبه ببینند. به همین ترتیب، کسانی که به ارزش‌های دینی پایبندند، ممکن است در آیین‌های ملی احساس بیگانگی کنند. این جدایی، پیکره جامعه را تضعیف می‌کند و حس امید به آینده مشترک را کمرنگ می‌سازد.

■ نقش فرهنگ‌سازان: بازآفرینی آیین‌های فرامیور

برای بازگرداندن حس تعلق به وطن، سیاست‌گذاران، رسانه‌ها، هنرمندان و معلمان باید آیین‌های ملی و مذهبی را به‌عنوان ستون‌های هویت ایرانی پاس بدارند و آنها را زبانی فراگیر بازآفرینی کنند که همه ایرانیان، فارغ از باورها و گرایش‌هایشان، در آن خود را ببینند. چند پیشنهاد عملی برای این هدف:

جشنواره‌های مشترک: برگزاری جشن‌هایی که آیین‌های ملی و مذهبی را در کنار هم گرامی بدارند، مثلاً جشنواره‌هایی که موسیقی و هنر ملی را با ارزش‌های انسانی و معنوی آیین‌های مذهبی ترکیب کنند، مانند برنامه‌های هنری که هم از نوروز و هم از روایت‌های عاشورایی الهام بگیرند.

فضاهای عمومی پرشور: طراحی پارک‌ها و میدان‌های شهری که میزبان آیین‌های ملی و مذهبی باشند، با موسیقی، نور، و فعالیت‌هایی مثل چیدن هفت‌سین یا عزاداری جمعی که حس زنده بودن را به مردم برگردانند.

داستان‌گویی مشترک: دعوت از مردم برای به اشتراک گذاشتن داستان‌هایشان از آیین‌های ملی و مذهبی، مثلاً از طریق کارگاه‌های داستان‌نویسی یا برنامه‌های دیجیتال، تا حس تعلق به وطن تقویت شود.

آموزش هویت‌محور: برنامه‌های آموزشی در مدارس که به کودکان بیاموزند آیین‌های ملی و مذهبی چگونه ریشه‌های تاریخی و معنوی این را به هم پیوند می‌دهند و چرا هر دو برای هویت ایرانی مهمند.

نتیجه‌گیری: آیین‌های ملی و مذهبی، نبض هویت ما

آیین‌های ملی و مذهبی، مانند نوروز و عاشورا، ستون‌های هویت ایرانی هستند که ما را به وطن، تاریخ، و آینده‌مان متصل می‌کنند. این آیین‌ها نه‌تنها جشن یا مراسم، بلکه راهی برای زیستن در اکنون و ساختن آینده‌اند. اگر یکی از این دو دسته این هویت را کمرنگ شود، بخشی از مردم حس می‌کنند ریشه‌هایشان را از دست داده‌اند و از جامعه جدا می‌افتند. ایران، تا زمانی که بتواند آیین‌های ملی و مذهبی را با احترام و به‌صورت متوازن بر گزارد، ملتی زنده و پویا خواهد ماند. این آیین‌ها اکسیژنی هستند که پیکره تاریخی و اجتماعی ایران را زنده نگه می‌دارند، وطن، تنها خاک نیست؛ داستانی است که در آیین‌هایمان حس می‌شود و در همبستگی‌مان نبض می‌زند.

خبر کوتاه

■ **اسخنگوی قوه قضائیه گفت:** طبق بررسی‌ها و تحقیقات متقن در پرونده فرزند و همسر فرزند حجت‌الاسلام والمسلمین صفدی، هیچگونه تقصیری متوجه وی نیست و موردی در این راستا به اثبات نرسیده‌است.

■ **معاون وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد:** ثبت‌نام دانش آموزان پایه اول ابتدایی نسبت به سال گذشته ۱۲ درصد افزایش یافته است و شهر تهران با رشد ۲۴ درصدی در صدر استان‌های کشور قرار دارد.

■ **وزیر آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه** اولویت تجهیز با مدارس عشایری و روستایی چند پایه است، از احداث مدرسه اولیه در ۱۸ استان کشور خبر داد.

■ **فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست از کشف محموله بزرگ تاکسیرمی حیات‌وحش** از جمله بلنگ، سیاه‌گوش، کل و بز، فوج و میش، آهو، جبیر، شنگ، بزجه، مرال همچنین سلاح و مهمات حیات‌وحش خبر داد. در این رابطه یک متخلف دستگیر شد و پرونده در حال تکمیل و بررسی مجوزهای گونه‌ها، سلاح‌ها و مهمات مکشوفه و معرفی به مراجع قضایی است. وی در پایان تصریح کرد از شهروندان درخواست داریم در صورت مشاهده هرگونه مورد مشکوک در خصوص قاچاق و نگهداری و خرید و فروش حیوانات وحشی و اجزای آنها، موضوع را از طریق سامانه ۱۵۴۰ یا به نزدیک‌ترین اداره محیط‌زیست گزارش دهند.

■ **بر اساس آخرین گزارش بانک مرکزی** شهروندان تهرانی در هفته منتهی به ۱۳ تیر ماه اختلاف قیمت ۳۷ درصدی میوه در میادین و بازارهای میوه و تره بار به نسبت سطح شهر را تجربه کردند.

■ **دادستان تهران گفت:** پرونده قضایی برای افرادی که به اتهام جاسوسی، ارسال اطلاعات و لوکیشن‌های حساس به دشمن، به ویژه در جریان حمله به زندان اوین، بازداشت شده‌بودند، تشکیل شد.